



The Effects of Rural-Urban Linkages on Social Development Indicators: Comparison of Iran and China

Moosa Anbari¹ | Marjan Khaksari Renani²

¹. Corresponding Author, Department Social Development, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

E-mail: anbari@ut.ac.ir

². Department of Social Development, Faculty of Social Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

E-mail: marjan.khaksari@ut.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 01 August
2023

Received in revised

form: 22 November 2023

Accepted: 01 December
2023 Published: 13
January 2024

Keywords:

Rural-Urban Linkages,
Iran and China,
Indicators of Social and
Welfare Development,
Demographic
Movements.

ABSTRACT

The increasing expansion and density of cities and the excessive migration of villagers have made it necessary to deal with the model of sustainable development and rural-urban synergy. Urban and rural areas are inextricably linked economically, socially, and environmentally. The assumption of the separation of the city and the village causes the neglect of the mutual benefits of their demographic, economic, social and environmental dynamics. In the new development paradigm, it is reaffirmed that the traditional and outdated dichotomy of the city and village should be departed. The sustainability of urban and rural areas, as well as sustainable development, will only be possible via reducing inequality and the development gap between the city and the village.

This paper compares and examines the importance of the link between cities and villages in Iran and China in historical periods with the method of comparative-historical analysis and analysis of national and international macro data and statistics.

The findings indicate that China, with a distinct systematic plan, has experienced the strategy of connecting complementary regions of the country, especially connecting developed regions with underutilized regions, as the best solution for reducing poverty and regional development, and has been successful in reducing regional inequalities. Iran has implemented most of the partial and separate programs for the development of villages and cities.

Generally speaking, both countries have contributed to the improvement of their social and welfare development indicators by experiencing continuous urbanization and connectivity between rural and urban areas.

Cite this article: Anbari, M. & Khaksari Renani, M. (2023). The effects of rural-urban linkages on social development indicators: Comparison of Iran and China. *Community Development (Rural and Urban)*, 15 (2): 293-317.

<https://doi.org/10.22059/jrd.2024.370415.668836>



© The Author(s). Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2024.370415.668836>

اثرات پیوندهای روستاشهری بر شاخص‌های توسعه اجتماعی: مقایسه ایران و چین

موسی عنبری^۱ | مرجان خاکساری رنانی^۲۱. نویسنده مسئول، گروه توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: anbari@ut.ac.ir۲. گروه توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: marjan.khaksari@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	بسط و تراکم روزافزون شهرها و مهاجرت گسترده روستاییان، تأمل بر الگوی توسعه پایدار و هم‌افزایی روستایی-شهری را ضروری کرده است. فضاهای شهری و روستایی از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به‌طور ناگسستگی به هم مرتبط هستند. فرض جدایی شهر و روستا، موجب غفلت از مزایای متقابل پویایی جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی آن‌ها می‌شود. در پارادایم نوین توسعه، تأکید بر آن است که باید از دوگانگی سنتی و قدیمی شهر و روستا فاصله گرفت. پایداری نواحی شهری و روستایی و همچنین توسعه پایدار و متوازن جز از طریق کاهش نابرابری و شکاف توسعه‌ای میان شهر و روستا و توسعه هم‌زمان آن‌ها میسر نخواهد بود.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۵/۱۰	این مقاله به روش تحلیل تطبیقی-تاریخی و تحلیل داده‌ها و آمارهای کلان ملی و بین‌المللی، اهمیت پیوند و پیوستگی شهر و روستا در ایران و چین را در دوره‌های تاریخی مقایسه و بررسی می‌کند.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۹/۱۳	یافته‌ها نشان می‌دهد چین با برنامه‌ای متمایز و از پیش تعیین‌شده، راهبرد پیوند مناطق مکمل و هم‌افزای کشور، خاصه اتصال مناطق توسعه‌یافته با مناطق کم‌برخوردار را به‌عنوان بهترین راهکار کاهش فقر و توسعه منطقه‌ای در پیش گرفته و در کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای موفق بوده است. ایران بیشتر برنامه‌های بخشی و مجزای توسعه روستا و شهر را پیش برده است.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۰	به‌طور کلی هر دو کشور با تجربه شهرنشینی مستمر و پیوستگی روزافزون میان مناطق روستایی و شهری به بهبود شاخص‌های توسعه اجتماعی و رفاهی خود کمک کرده‌اند. بی‌شک در این فرایند، چین الگوی مناسبی در امر غلبه بر فقر مناطق شهری و روستایی برای ایران است.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳	
کلیدواژه‌ها: ایران و چین، پیوندهای روستاشهری، جابه‌جایی‌های جمعیتی، شاخص‌های توسعه اجتماعی و رفاهی.	

استناد: عنبری، موسی و خاکساری رنانی، مرجان (۱۴۰۲). اثرات پیوندهای روستاشهری بر شاخص‌های توسعه اجتماعی: مقایسه ایران و چین. توسعه محلی (روستایی-شهری) ۱۵(۲): ۳۱۷-۳۹۳. <https://doi.org/10.22059/jrd.2024.370415.668836>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2024.370415.668836>

۱. مقدمه

در نظریه‌های اولیه توسعه، مناطق روستایی عقب‌مانده فرض می‌شدند و راه‌حل توسعه آن‌ها، صنعتی‌شدن سریع و شهرنشینی بود. تصور این بود که رشد اقتصادی به صنعتی‌شدن منجر می‌شود و صنعتی‌شدن به‌طور کارآمد، در تعداد محدودی از مراکز شهری بزرگ فراهم می‌شود و فواید آن در مابقی سرزمین ملی نشر پیدا می‌کند. مدل سنتی بر مبنای نگرش‌های بخشی و مجزائگر، شهر و روستا را دو هستی مستقل از هم در نظر می‌گرفت و رشد و تحول «نقطه‌ای» را معیار قرار می‌داد. امروزه با توجه به موفقیت‌های اندک رویکردهای قبلی، موضوع پیوستار روستاشهر و نگرش «پهنه‌ای» مبتنی بر رویکردهای فضایی-منطقه‌ای در مباحث توسعه مطرح شده است.

اکنون در سال ۲۰۲۳، حدود ۵۵ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند و پیش‌بینی شده است تا نیمه قرن ۲۱، این جمعیت تا ۶۸ درصد افزایش یابد (برنامه سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل^۱، ۲۰۲۱). همچنین بیش از ۸۵ درصد فقرای جهان در مناطق روستایی زندگی می‌کنند (برنامه سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل، ۲۰۱۷) و به فرصت‌ها دسترسی ندارند. بهبود معیشت روستایی و دستیابی به اهداف توسعه پایدار جز در سایه راهبردهای مؤثر و یکپارچگی توسعه شهر و روستا محقق نخواهد شد. در پیوندهای شهری و روستایی تأکید می‌شود که باید از دوگانگی سنتی و قدیمی شهر و روستا فاصله گرفت و برای رسیدن به پایداری نواحی شهری و روستایی و توسعه پایایی آن‌ها با هم، کاهش نابرابری‌ها و شکاف توسعه‌ای میان آن‌ها اجتناب‌ناپذیر است. فضاهای شهری و روستایی از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی پیوند ناگسستنی دارند. شناخت این پیوستار روستاشهری نشان می‌دهد مشارکت‌ها، همکاری و یکپارچگی در عمل، برای تمامی افراد، صرف‌نظر از سن، جنس و مکان زندگی، فواید بسیاری را به ارمغان می‌آورد.

در نیمه دوم قرن بیستم میلادی، ایران و چین مرحله پیش‌سرمایه‌داری را پشت سر گذاشتند و به‌سرعت به سمت صنعتی‌شدن و شهرگرایی پیش رفتند. با دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی بنیادینی که در هر دو کشور رخ داد، روابط شهر و روستا نیز تغییرات عمده‌ای یافت. میزان شاخص‌های توسعه اجتماعی و رفاهی هر دو کشور در نواحی روستایی و شهری بهبود یافته و فقر نیز کاهش قابل توجهی پیدا کرده است.

نسبت جمعیت شهرنشین چین از حدود یک‌هشتم در نیمه قرن بیستم به بیش از یک‌دوم در سال ۲۰۲۲ رسید. این کشور با سرمایه‌گذاری‌های هدفمند و تمرکز بر بهبود روابط روستاشهری توانست تجربه موفق‌تری در امر توسعه داشته باشد (گاریه، ۱۳۹۹؛ سان و لیو، ۲۰۱۴). در ایران نیز سهم جمعیت روستاها از حدود ۶۷ درصد در دهه ۱۳۳۰ به ۲۶ درصد در سال ۱۳۹۵ رسید. پیش‌بینی می‌شود با روند سرعت شهرنشینی فعلی، در سال ۱۴۳۰ بیش از ۸۵ درصد از جمعیت ایران شهرنشین باشند. با وجود این، کشور ما آن‌گونه که باید، در امر کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای موفق نبوده و برنامه هدفمندی برای یکپارچگی مناطق روستایی و شهری در پیش نگرفته است. از این رو می‌توان از تجارب مفید چین در جهت پیش‌برد اهداف توسعه‌ای در کشور بهره برد.

در این مقاله، اثرات پیوندهای روستاشهری بر شاخص‌های توسعه اجتماعی و رفاهی (حرکات جمعیتی، گستره فقر، بهداشت و هزینه و درآمد) در دو کشور ایران و چین بررسی و با یکدیگر مقایسه می‌شود.

۲. چارچوب مفهومی و نظری

برنامه سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل (۲۰۱۷) پیوندهای شهری و روستایی را اتصالی غیرخطی و متنوع در سراسر یک پیوستار روستاشهری تعریف می‌کند که شامل جریان افراد، کالاها، سرمایه و اطلاعات از یک سو و پیوند میان بخش‌ها و فعالیت‌هایی مانند کشاورزی، خدمات و صنعت از سوی دیگر است. پیوندها و ارتباطات میان نواحی شهری و روستایی جنبه‌های گوناگونی را دربرمی‌گیرند، مانند: ۱. سرمایه انسانی و جمعیتی؛ ۲. سرمایه‌گذاری و معاملات اقتصادی؛ ۳. اشکال حکمرانی؛ ۴. امکانات رفاهی و محیط‌زیست؛ ۵. خدمات و تولیدات؛ و ۶. داده‌ها و اطلاعات.

اصول راهنمای پیوندهای روستاشهری به‌عنوان یکی از پنج برنامه اصلی برنامه اسکان بشر سازمان ملل در ده اصل تهیه شده است: مداخلات در سطح محلی، حکمرانی یکپارچه، رویکردهای کارکردی و مبتنی بر فضایی، شمول مالی، شراکت متوازن، تعامل مشارکتی، مبتنی بر حقوق انسانی، حساسیت محیط‌زیستی، حمایت اجتماعی، داده‌محور و مبتنی بر شواهد (برنامه سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل، ۲۰۱۹).

سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۱، پیوندهای روستاشهری را نیز به‌عنوان یکی از هشت مؤلفه اصلی پارادایم نوین توسعه روستایی معرفی می‌کند. در این پارادایم، معیشت روستا عمدتاً به عملکرد نیروی کار مراکز شهری، دسترسی به کالاها، خدمات و فناوری و همچنین تراوش افکار شهری وابسته است. راهبرد موفق روستایی نباید محیط روستا را هویت و هستی منفصل تلقی کند، بلکه باید بر لزوم پیوند شهر و روستا تأکید ورزد (گاریه، ۱۳۹۹).

در عرصه نظریه‌پردازی، آغاز نظریه‌های توسعه درباره روابط شهر و روستا به اوایل دهه ۱۹۵۰ برمی‌گردد. نظریه اول «نوسازی از طریق صنعتی‌شدن و شهرنشینی» است که در آن، توسعه در رشد سریع اقتصادهای ملی از طریق گسترش بازارهای داخلی و ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری دیده می‌شد. در این راستا، به‌تدریج بخش‌های مدرن بر بخش‌های سنتی، و اقتصاد پولی بر معیشت غلبه کردند. این ساختار دوگانه، بر مبنای مدل‌های نرسک^۲ (۱۹۵۳) و لوپس^۳ (۱۹۵۴) برای چند دهه بر نظرات اقتصاددانان نفوذ داشت. جزء لاینفک این روند نوسازی، شهرنشینی و صنعتی‌شدن بود (تکلی^۴، ۱۹۹۸). در مدل «اقتصاد دوگانه»^۵ لوپس، مناطق روستایی تأمین‌کننده اصلی نیروی کار اضافی تلقی می‌شدند؛ به طوری که دستمزدهای بالاتر بخش صنعتی، نیروی کار اضافی در روستاها را جذب می‌کند. این روند به تدریج زمینه کمبود نیروی کار در شهرها را فراهم می‌کند و به «تجاری‌سازی کشاورزی» در مناطق روستایی می‌انجامد (گاریه، ۱۳۹۹: ۹۳). فرض لوپس این است که سکونتگاه‌های پرجمعیت روستایی در جهان سوم می‌توانند توزیع بر مبنای بهره‌وری نهایی را به حداقل برسانند؛ بنابراین می‌توان از کشاورزی روستایی به صنعت شهری انتقال نیروی کار داشت، بدون اینکه بهره‌وری کشاورزی کاهش پیدا کند.

تا اواسط دهه ۱۹۶۰، مهاجرت از روستا به شهر، روندی مثبت به نظر می‌رسید. اما در اواخر همان دهه مشخص شد ایجاد شغل در بخش تولید صنعتی، بسیار کمتر از حد انتظار است و نمی‌تواند جمعیت شهری به سرعت در حال رشد را جذب کند (تکلی، ۱۹۹۸). این

1. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)
 2. Nursk
 3. Lewis
 4. Tacoli
 5. Dual sector

نشان می‌دهد نظریه‌های اولیه توسعه، رویکردی نسبتاً ساده‌انگارانه به توسعه روستاشهری دارند. این نظریه‌ها به «دوگرایی»^۱ روستاشهر معتقدند؛ بدین معنی که مناطق شهری، مدرن و پویا هستند و مناطق روستایی عقب‌مانده و توسعه‌نیافته‌اند و بیشتر جمعیت وابسته به کشاورزی هستند و اینکه راه‌حل، شهرنشینی سریع و صنعتی‌شدن در کنار نوسازی کشاورزی است. در پارادایم نوین، بر حکمرانی کارآمد و پیوند روستاشهری به‌عنوان راهبردی کلیدی برای دستیابی به توسعه منطقه‌ای و پایدار تأکید می‌شود. پارادایم نوین، رویکردی «چندعاملی-چندسطحی» است که جدا فرض کردن شهر و روستا را محکوم به شکست می‌پندارد و بسترسازی برای پیوند متنوع میان شهر و روستا را عامل تقویت جامع مناطق می‌داند که نتیجه آن، توسعه پایدار و متوازن شهری و روستایی خواهد بود (گاریه، ۱۳۹۹).

پایه‌های مبنایی دیدگاه‌های منظومه‌ای و پیوستگی روستاشهری بر مباحث اولیه «تئوری مکان مرکزی»^۲ والتر کریستالر^۳ (۱۹۳۳، نقل در سعیدی، ۱۴۰۰: ۹۹) و تحولات بعدی آن در گذر زمان در قالب مباحث شبکه‌های سکونتگاهی استوار است. بعدها جان فریدمن^۴ در کتاب قلمرو و کارکرد، مفهوم «توسعه آگروپولیتیکی»^۵، پیوند روستاشهری را مورد توجه قرار داد که در اقتصاد جهان درحال توسعه اهمیت بسزایی دارد و از کارکرد زمین‌های کشاورزی در مناطق میانی کشورها (که دور از منابع دریایی و رودخانه‌ای قرار دارند) و زیست‌پذیری اقتصاد شهری حمایت کرد. در این مفهوم، فریدمن بحث خود را بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی به‌عنوان موتور هدایت‌گر توسعه شهری در مراکز شهری کوچک و بزرگ مقیاس متمرکز ساخت. او بر منطقه به‌عنوان عاملی اساسی در توسعه تأکید دارد.

مایک داگلاس^۶ راهبرد «شبکه منطقه‌ای»^۷ را بیش از دو دهه بعد از مطرح‌شدن رویکرد آگروپولیتن ارائه کرد که در آن نیز پیوندهای روستاشهری و وابستگی‌های متقابل میان آن‌ها مطرح و تفکیک روستایی و شهری رد می‌شود. داگلاس (۱۹۹۸) پنج جریان میان شهر و روستا را مطرح می‌کند: مردم، تولید، کالا، سرمایه و اطلاعات. آلن^۸، سیلوا^۹ و کوربلو^{۱۰} دو جریان دیگر منابع طبیعی و پسماندها را به آن اضافه می‌کنند (آدریانا^{۱۱}، ۲۰۰۳).

برنامه سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل (۲۰۲۰) نیز جنبه‌های گوناگونی برای پیوندها و ارتباطات میان نواحی شهری و روستایی بیان می‌کند که عبارت‌اند از: ۱. سرمایه انسانی و جمعیتی؛ ۲. سرمایه‌گذاری و معاملات اقتصادی؛ ۳. تعاملات حکمرانی؛ ۴. امکانات رفاهی و محیط‌زیست؛ ۵. خدمات و تولیدات؛ و ۶. داده‌ها و اطلاعات، به همراه ساختارهای مختلف حمایت‌کننده (یا محدودکننده) شامل زیرساخت‌ها، ساختارهای اقتصادی، منطقه‌ای و حکمرانی (برنامه سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل، ۲۰۲۰).

به‌طور کلی در ارتباطات میان شهر و روستا، به‌دلیل جابه‌جایی نیروها و سرمایه‌های انسانی، کالاها، دانش و اطلاعات، این ظرفیت وجود دارد که هم‌افزایی ارزشمندی بین شهر و روستا برای توسعه متقابل هر دو برقرار شود.

1. dichotomy
2. Walter Christaller
3. John Friedmann
4. Agropolitan Development

۵. جان فریدمن و مایک داگلاس (۱۹۷۵) ایده خود در زمینه توسعه روستاشهری با نام توسعه آگروپولین را در برنامه‌ریزی منطقه‌ای مطرح کردند. این رویکرد برآمده از اندیشه فریدمن در زمینه مباحث «مرکز-پیرامون» بود (ر.ک: سعیدی، ۱۳۹۹؛ طالب و عنبری، ۱۴۰۲).

6. Mike Doughlass
7. Regional Network
8. Allen
9. Silva
10. Corubolo
11. Adriana

۳. روش مطالعه

از آنجا که پژوهش حاضر به مقایسه تحولات روابط میان شهر و روستا در ایران و چین طی دوره‌های تاریخی مشخص می‌پردازد، روش تحقیق، تحلیل تطبیقی-تاریخی است. در تحلیل تطبیقی، تمایزات و اشتراکات میان موضوعات یا واحدهای اجتماعی کلان مقایسه می‌شود. در این روش، واحدهای تحلیل می‌توانند مناطق، گروه‌ها، نهادها یا طبقات اجتماعی یا حتی دوره‌های زمانی در یک یا چند کشور باشند. در واقع واحد تحلیل از نوع مسئله و موضوع پژوهش تبعیت می‌کند. در این مقاله، واحد تحلیل، کشور یا جامعه کلان است. از آنجا که توصیف و تحلیل تحولات کشورهای مورد مطالعه (ایران و چین) تا حدودی بر داده‌های مستندشده و آمارهای موجود در دستگاه‌های دولتی یا نهادهای بین‌المللی از جمله بانک جهانی متکی است، می‌توان گفت جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از منابع کتابخانه‌ای و اسناد در دسترس صورت گرفته است. همچنین از روش مکمل «تحلیل آمارهای موجود» (بیکر، ۱۳۹۰: ۳۳۳) استفاده شده است. علاوه بر آمارهای نهادهای ملی در هر دو کشور، از داده‌های ثانویه شامل کتاب‌ها، تحقیقات و مقالات مرتبط با موضوع توسط محققان مختلف استفاده شده است.

۴. تجربه چین

بعد از مرگ مائو در سال ۱۹۷۶، چین به تدریج بازسازی اقتصادی خود را بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۸ انجام داد. اصلاحات از کشاورزی آغاز شد و به بخش صنعتی تسری پیدا کرد. بهره‌وری در کشاورزی سبب انتقال نیروی مازاد کار از این بخش شد. «مناطق ویژه اقتصادی»^۱ موجب جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی زیادی برای صادرات و صنایع کاربر شدند. رونق این صنایع به جذب نیروی کار از مناطق روستایی و شهری انجامید. «بنگاه‌های روستایی و شهری»^۲ پیش‌نیازهای کلیدی صنعتی شدن چین در دوره بعد از مائو بودند. از آغاز اصلاحات اقتصادی در اواخر دهه هفتاد، تولید ناخالص داخلی در بالاترین رشد خود در برخی سال‌ها به بیش از ۱۰ درصد افزایش یافت (شکل ۱). این دستاورد تا حد زیادی به اصلاحات اقتصادی مربوط است که صنعتی شدن را سرعت بخشید.

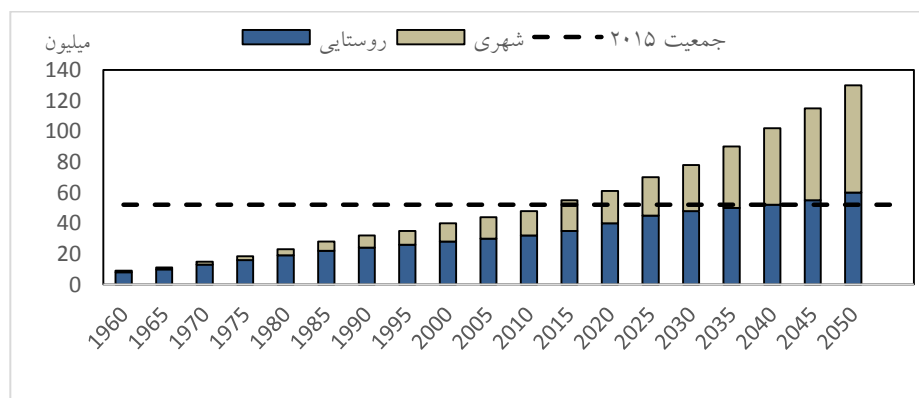


شکل ۱. افزایش شتابان تولید ناخالص داخلی در چین (۱۹۶۰-۲۰۲۰)

1. Special Economical Zone (SEZ)
2. township and village enterprise

سرانه تولید ناخالص داخلی^۱ در آغاز اصلاحات اقتصادی اواخر دهه هفتاد، از ۱۸۴ دلار آمریکا به ۱۲،۷۲۰ دلار در سال ۲۰۲۲ (بر مبنای دلار فعلی آمریکا) افزایش یافت. از سال ۱۹۷۸ تا ۲۰۲۲، سهم کشاورزی در تولید ناخالص داخلی از ۲۷/۷ به ۷/۳ درصد یعنی حدود یک‌چهارم و سهم اشتغال در بخش کشاورزی نیز از ۶۹ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۲۴ درصد در سال ۲۰۲۱ کاهش پیدا کرد. با این حال، سهم صنعت (از جمله ساختمان) در شاخص تولید ناخالص داخلی از ۳۵/۱ درصد در سال ۱۹۶۵ تا ۳۹/۹ درصد در سال ۲۰۲۲ حدود ۵ درصد رشد داشته است. در سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۲۲ سهم بخش خدمات در شاخص تولید ناخالص داخلی از ۳۲/۴ به ۵۲/۸ درصد رشد داشت، ولی همچنان در مقایسه با میانگین درآمد متوسط (۰/۵۴) و درآمد بالای (۰/۷۴) کل کشور توسعه نیافت (بانک جهانی، ۲۰۱۵؛ بانک جهانی^۲، ۲۰۲۳). تجارت در سالیان ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰ افزایش جدی یافت. تراز تجاری کشور تا میانه دهه ۱۹۹۰ که صادرات بر واردات پیشی گرفت، همواره افت‌وخیز داشت. در دهه ۲۰۰۰، صادرات و واردات کالاها و خدمات تحت تأثیر رکود اقتصاد جهانی تنزل پیدا کرد (گاریه، ۱۳۹۹: ۲۴۰).

رشد عظیم جمعیتی چین را در ۷۰ سال گذشته رخ داد. جمعیت این کشور از ۵۴۴ میلیون در سال ۱۹۵۰ به ۱/۴۱۲ میلیارد نفر در سال ۲۰۲۲ رسید. این کشور با مهاجرت‌های گسترده روستا به مناطق شهری و شهرهای ساحلی، شهرنشینی سریعی را پشت سر گذاشت. از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۲۲، سهم جمعیت شهری از ۱۱/۸ به ۶۳/۶ درصد افزایش پیدا کرد. این در حالی است که سهم جمعیت روستایی از ۸۸/۲ به ۳۶/۴ درصد کاهش یافت (سان و لیو^۳، ۲۰۱۴: ۲۰۰؛ بانک جهانی، ۲۰۲۳). جمعیت چین از سال ۲۰۱۱ عمدتاً شهری و در بزرگ‌ترین شهرها مانند شانگهای، پکن و تیانجین^۴ و سپس گوانگ دونگ^۵ و استان لیاونین^۶ در سواحل شرقی متمرکز شده‌اند. برآوردها نشان‌دهنده افزایش سهم جمعیت شهری تا حدود ۷۵/۸ کل جمعیت، معادل ۱/۰۵ میلیارد نفر تا سال ۲۰۵۰ است (شکل ۲).



شکل ۲. رشد جمعیت شهری چین (۱۹۵۰-۲۰۵۰)

1. GDP
2. World Bank
3. Li Sun & Zhi Liu
4. Tianjin
5. Guangdong
6. Liaoning

۴-۱. پیوندهای روستاشهری؛ راهبرد کاهش فقر در چین

سان و لیو (۲۰۱۴: ۱۹۹) در مقاله‌ای فرایند پیوندهای روستاشهری در چین را در چهار مرحله (جدول ۱) دسته‌بندی کردند و نتیجه گرفتند برنامه رشد اقتصادمحور مبتنی بر شهرنشینی، به توسعه همگام روستاشهری (جریان مردم، کالا، سرمایه و منابع طبیعی بین آنها) کمک زیادی کرده است.

جدول ۱. چهار مرحله پیوند روستاشهری در چین

دوره	مشخصه پیوند روستاشهری	ویژگی اصلی
۱۹۴۹-۱۹۷۷	سیاست قهری گسست روستاشهری	کنترل شدید تحرک نیروی کار، ممانعت از مهاجرت روستاییان به شهرها؛ یارانه‌دادن بخش روستایی به بخش شهری
۱۹۷۸-۲۰۰۰	اتصال روستاشهری مبتنی بر نیروی کار	سرازیر شدن نیروی کار ارزان به سمت شهرها به منظور یافتن شغل
۲۰۰۱-۲۰۱۲	تنش‌های زمین‌محور روستاشهری	تبدیل اراضی روستایی برای توسعه شهری در مقیاس بزرگ
۲۰۱۳ به بعد	یکپارچگی روستاشهری	شهرنشینی مردم‌محور با تمرکز بر بهبود رفاه جمعیت روستایی و کارگران مهاجر

منبع: سان و لیو، ۲۰۱۴: ۱۹۹

از اوایل دهه ۲۰۰۰، چین بر «سیاست‌های هدفمند فضایی»^۱ برای رشد و توسعه منطقه‌ای و رشد پایدار نواحی روستایی تأکید کرده است. در واقع با اتصال مناطق توسعه‌یافته با مناطق کمتر برخوردار از نوع روستایی و شهری، پیوند مؤثری میان بخش‌های مختلف جمعیتی ایجاد شده است. دولت «مناطق توسعه‌ای»^۲ را برای ترغیب و جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی از طریق «سیاست‌های ترجیحی»^۳ طرح‌ریزی کرده است؛ برای مثال، چنگدو^۴ در استان سی‌چوان^۵ از سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی دولت مرکزی تحت «راهبرد توسعه غربی»^۶ منافع زیادی کسب کرده است (یو، ۲۰۱۵). خط راه‌آهن پرسرعت و نیز خط هوایی بین‌المللی چینگدو-شانگ لیو که چهارمین خط هوایی و قطب هوایی چین به‌شمار می‌رود، نمونه آن است. دولت همچنین به‌منظور توانمند کردن شهرهای متوسط و بزرگ‌تر برای اثرگذاری بر مناطق پیرامونی، شهرهایی اقماری در حواشی شهرهای بزرگ ایجاد کرد. به‌منظور مهار رشد شهرها و مناطق پیرامونی، نظام شهرداری‌ها به‌عنوان متصدی شهرداری‌ها برای قرارداد نواحی شهری تحت نظارت شهرهای مجاور بزرگ‌تر انتخاب شد (ژانگ، ۲۰۰۸). سیاست‌های همگرایی یا تعاملی شرق-غرب، دولت را ملزم می‌کرد تولیدات منطقه‌ای بخش شرق و غرب را با مکانیسم‌های بازار انطباق دهد (گاریه ۱۳۹۹: ۲۴۹ به نقل از لوآند دنگ، ۲۰۱۱).

1. Spatially targeted policy
2. Development zones
3. preferential policy
4. Chengdu
5. Shuangliu
6. Yu
7. Zhang
8. Luand deng

دولت مرکزی، ایالات محلی را به‌عنوان کنشگران مهم، تشویق به مشارکت در سیاست‌ها می‌کرد. برخی از «شهرهای مرزی»^۱ خاصه آن‌هایی که در مجاورت مسیرهای آبی و بازارهای بین‌المللی قرار گرفته‌اند، مجتمع‌های صنعتی و رقابتی ایجاد کردند تا شبکه‌های تولید منطقه‌ای را مهار کنند و برخلاف صنایع صادرات‌محور، تقاضای مصرف داخلی را برعهده گیرند. با وجود این، گفته می‌شود شهرنشینی بی‌رویه و رشد شهرهای احداثی در ارتباط با مزیت‌های رقابتی محلی، موجب به‌وجودآمدن مسائلی از قبیل کم-صرفه‌بودن و کاهش رقابت‌پذیری شدند (گاریه ۱۳۹۹؛ سان و لیو، ۲۰۱۴).

به‌تبع گسترش شهرنشینی در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱، زمین‌های شهری با ساخت‌وساز افزایش یافت. ۹۰ درصد زمین‌های شهری تازه توسعه‌یافته، با سلب مالکیت روستایی به دولت رسید؛ چرا که طبق قانون اداره اراضی در چین، اراضی شهری در مالکیت دولت و اراضی روستایی در مالکیت جمعی است و فقط دولت، قدرت قانونی برای تبدیل اراضی شهری را دارد (سان و لیو، ۲۰۱۴: ۲۰۲). البته این روند به‌ظاهر مخرب برای بخش روستایی، با سرمایه‌گذاری‌های دولت در بخش روستایی جبران شد. دولت، سرمایه‌های درخور توجهی به مناطق روستایی نظیر سرمایه‌گذاری برای ارتقای بهداشت و آموزش، بهسازی جاده‌ها، ریل‌ها، خطوط هوایی، پل‌ها، نظام آبیاری، آب آشامیدنی مدارس و پروژه‌های زیست‌محیطی اختصاص داد. شتاب سرمایه‌گذاری در شبکه‌های حمل‌ونقل، سبب ادغام بازارهای منفرد و پراکنده شده است. سرمایه‌گذاری در کالاهای عمومی و خدمات، کاهش نابرابری شهری و روستایی را در پی داشته‌است.

به‌طور کلی، پیامدهای اقتصادی و اجتماعی شهرنشینی تحت سیاست‌های رشد‌محور در دهه‌های قبل، از رشد ناپایدار شهرنشینی حکایت دارد. در واقع با اینکه درآمد خانوارهای شهری و روستایی افزایش چشمگیری یافته، شکاف میان آن‌ها همچنان در حال افزایش است (سان و لیو، ۲۰۱۴: ۲۰۲).

از سال ۲۰۱۴ به بعد، برای رفع مشکلات و شکاف‌های روستاشهری، تلاش‌هایی در جهت یکپارچگی روستاشهری صورت گرفت. این رویکرد با توجه به نقش کارکردی شهرها و روستاها، به آن‌ها به‌عنوان نواحی مکمل و هم‌افزا می‌نگرد. هدف برنامه این بوده است که جریان مردم، کالا، خدمات، منابع سرمایه و اطلاعات میان شهر و روستا تسهیل شود و هر دو ناحیه به‌طور متقابل بهره‌مند شوند. همچنین برای ایجاد روابط جدید میان شهر و روستا، نهادهای مربوط افزایش یابد تا نواحی شهری از توسعه روستایی حمایت کند و کشاورزی و صنعت به نفع یکدیگر باشند و در نهایت نواحی شهری و روستایی به توسعه یکپارچه دست یابند؛ بنابراین تصمیمات طرح شهرسازی جدید در راستای اصلاح سیستم هوکو (سیستم شمارش خانوار شهری و روستایی)، سیاست اراضی و سرمایه‌گذاری شهری تنظیم می‌شود و در جهت تقویت پیوند اجتماعی شهری و روستایی پیش می‌رود.

به‌طور کلی برنامه‌های توسعه چین از منظر ایجاد روابط میان شهر و روستا دستاوردهای زیر را داشته است:

الف) احیای اقتصاد متنوع و هم‌افزا: با کاهش سهم افراد شاغل در کشاورزی و افزایش سهم شاغلان در بخش‌های صنعت، ساختمان، حمل‌ونقل، ارتباطات، تجارت و سایر بخش‌های غیر زراعی (سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، ۲۰۰۹؛ بانک جهانی، ۲۰۲۳a)؛

ب) بهبود شاخص‌های رفاه و توسعه اجتماعی: شاخص‌های رفاهی نظیر بهداشت، آموزش و دسترسی به خدمات عمومی نقشی اساسی در راهبرد توسعه «صنعتی‌شدن کاربر»^۲ داشته است. چین در زمینه این شاخص‌های رفاهی موفق بوده است. زیربناهای

1. inland city

2. Labour- intensive industrialization- led

عمومی در مناطق روستایی تقویت شده‌اند؛ دسترسی به آب لوله‌کشی افزایش یافته و تعلیمات دوره ابتدایی و راهنمایی به شدت افزایش یافته است؛ برای مثال میزان ثبت‌نام دوره راهنمایی از ۳۸ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۸۹ درصد در سال ۲۰۱۲ رسیده است (بانک جهانی، ۲۰۱۵). با وجود این در آینده نزدیک، سالخوردگی جمعیت، چالش بزرگ مناطق روستایی چین خواهد بود؛ زیرا سالمندان روستایی عمدتاً تحت حمایت نظام حقوق بازنشستگی قرار ندارند، درآمد آن‌ها کم است و «میزان وابستگی»^۱ به دلیل مهاجرت جوانان در سن فعالیت به مناطق شهری، افزایش می‌یابد (گاریه، ۱۳۹۹: ۲۵۱)؛

پ) افزایش یکپارچگی روستاشهری: براساس «سالنامه آماری چین»^۲ در سال ۲۰۱۴، فاصله درآمدی شهر و روستا از ۲/۲ درصد سال ۱۹۷۸ به اوج خود، یعنی ۳/۳۳ درصد در سال ۲۰۰۹ رسیده و از آن زمان به بعد به ۳/۰۳ درصد در سال ۲۰۱۳ کاهش یافته است. این روند کلی پیشرفت نشان‌دهنده موفقیت چین در مسیر تقلیل نابرابری بین شهر و روستا در سال‌های اخیر است (جدول ۲). از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲، سهم مناطق غربی در تولید ناخالص داخلی از ۱۷/۱ به ۱۹/۷ درصد و در تولید صنعتی از ۱۳/۸ به ۱۷/۷ درصد افزایش یافت. این روند نشان‌دهنده سرعت متوسط در صنایع منطقه‌ای و رشد اقتصاد است. با این‌همه، در سال ۲۰۱۳، ایالات غربی چین فقط ۶ درصد سرمایه خارجی را (در بنگاه‌هایی با سرمایه‌گذاری‌های خارجی) دریافت کردند؛ در حالی که مناطق شرقی، ۵۴ درصد سرمایه خارجی دریافت کرده بودند؛ یعنی هنوز دسترسی و کیفیت کالاهای عمومی، خدمات و زیربنای بسیار نابرابر هستند (فن^۳ و همکاران، ۲۰۱۱؛ سان و لیو، ۲۰۱۴: ۱۹۸)؛ برای مثال در سال ۲۰۰۶، میزان بی‌سوادی در مناطق روستایی و شهری به ترتیب ۱۱ و ۳/۶ درصد بود (سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، ۲۰۰۹). آب ناسالم، کمبود آب، فرسایش خاک و جنگل‌زدایی، مسائل جدی مناطق روستایی هستند. در ۳۵ سال گذشته، شاخص‌های رفاهی با وجود شکاف بین شهر و روستا به‌طور چشمگیری بهبود یافته‌اند (جدول ۲). در سال ۲۰۲۲، بیشتر جمعیت یعنی حدود ۹۸/۴ درصد مناطق شهری و ۹۶/۴ درصد مناطق روستایی، به منبع آب سالم دسترسی داشتند. اخیراً همه مناطق شهری و روستایی به برق دسترسی دارند. همچنین ۹۳ درصد ساکنان روستایی و ۹۷/۶ درصد ساکنان شهری از سیستم فاضلاب برخوردارند؛

ت) ریشه‌کنی تقریبی فقر: نسبت افرادی که در فقر مطلق زندگی می‌کنند (کمتر از ۱/۲۵ دلار آمریکا) از ۶۹ درصد در سال ۱۹۸۴ به ۶/۳ درصد در سال ۲۰۱۳ (از نظر شاخص قدرت نسبی خرید) رسید که نشان‌دهنده کاهش فقر تا حدود ۹۱ درصد است (گاریه، ۱۳۹۹: ۲۵۱). همچنین شکاف نرخ فقر در بخش روستا و شهر کاهش قابل‌توجهی داشته است. در سال ۱۹۸۰ بیش از ۷۵ درصد خانوارهای روستایی زیر خط فقر زندگی می‌کردند؛ در حالی که این رقم در شهر به ۸ درصد می‌رسید. در دهه ۲۰۰۰ رقم خانوارهای روستایی زیر خط فقر به کمتر از ۱۵ درصد رسید (فن و همکاران، ۲۰۰۵: ۹). طبق تعریف فقر در چین (سالانه ۳۰۰ یین برای هر شخص با توجه به قیمت‌های سال ۱۹۹۰ یا روزانه ۰/۰۶ - ۰/۰۷ درصد دلار آمریکا با توجه به قدرت نسبی خرید) تعداد فقرای روستایی از حدود ۲۵۰ میلیون نفر سال ۱۹۷۸ به ۱۴/۸ میلیون نفر در سال ۲۰۰۷ کاهش یافت. در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۷، درآمد سرانه واقعی خانوارهای روستایی تقریباً پنج برابر شد و با متوسط رشد سالانه ۶ درصدی افزایش یافت (سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، ۲۰۰۹)؛ به طوری که در سال ۲۰۲۲ به ۱۲۷۲۰ دلار آمریکا رسید (بانک جهانی، ۲۰۲۳: ۴۲).

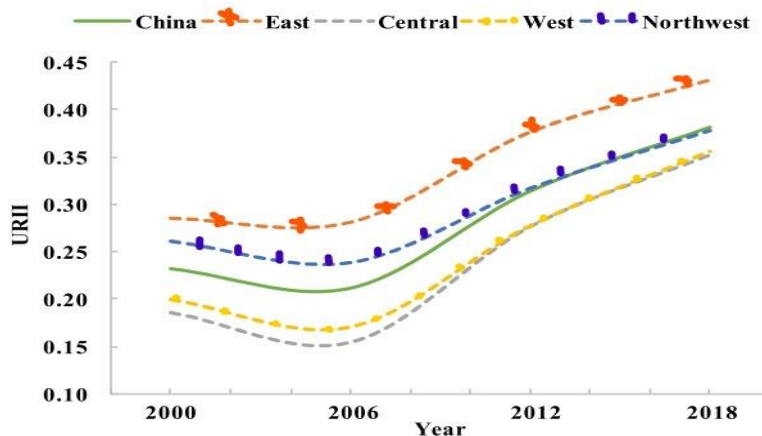
1. Dependency rates
2. Chinese Statistical Yearbook
3. Shenggen Fan

جدول ۲. وضعیت فاصله/پیوند روستاشهری از نظر شاخص‌های توسعه اجتماعی

۲۰۲۲	۲۰۲۰	۲۰۱۵	۲۰۱۰	۲۰۰۵	۲۰۰۰	۱۹۹۵	۱۹۹۰	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۹۷/۹	۹۶/۷		۹۴	دسترسی به برق (درصد کل جمعیت)
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۹۹/۸	۱۰۰		۱۰۰	جمعیت شهری
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۹۸	۹۶/۶	۹۵		۹۲	جمعیت روستایی
۹۷/۶	۹۵/۹	۹۲/۷	۸۹	۸۴	۷۸/۹	۷۴	۶۷	دسترسی به آب (درصد کل جمعیت)
۹۸/۴	۹۸/۳	۹۸/۱	۹۸	۹۷/۸	۹۷/۷	۹۷	۹۷	جمعیت شهری
۹۶/۴	۹۲/۱	۸۵/۹	۸۰	۷۳	۶۸/۴	۶۴	۵۶	جمعیت روستایی
۹۵/۹	۹۲/۹	۸۴/۷	۷۶	۶۶	۵۶/۸			دسترسی به سیستم فاضلاب (درصد کل جمعیت)
۹۷/۶	۹۵/۷	۹۱/۱	۸۷	۸۲	۷۷/۷			جمعیت شهری
۹۲/۹	۸۸/۳	۷۶/۸	۶۵	۵۴	۴۵/۱			جمعیت روستایی

منبع: بانک جهانی، ۲۰۲۳؛ گاریه، ۱۳۹۹: ۲۵۳

یانگ^۱ و همکاران (۲۰۲۱) اذعان دارند شاخص یکپارچگی روستایی-شهری در چین از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸، رشدی ۶۲/۲۱ درصدی (با تغییر از ۰/۲۳ به ۰/۳۸) داشته است. این شاخص، تغییری U شکل با نقطه عطف سال ۲۰۰۶ را نشان می‌دهد؛ یعنی تا قبل از سال ۲۰۰۶ روند منفی داشته، اما از ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۱۸ رشد مثبت یافته و با بیشترین نرخ رشد طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ به اوج خود رسیده است. همچنین به گفته آنان، چین برحسب مدیریت اقتصادی، به چهار قسمت تقسیم می‌شود: شرقی، شمال شرقی، غربی و مرکزی. شاخص یکپارچگی روستاشهری در شرق و شمال شرقی بیشتر از میانگین ملی و در غرب و مناطق مرکزی کمتر از آن است.



منبع: یانگ و همکاران، ۲۰۲۱: ۸

به‌طور کلی با توجه به مطالعات صورت گرفته استدلال می‌شود شهرنشینی گذشته تحت سیاست‌های رشد اقتصادی محور در چین، به تقویت «پیوندهای اقتصادی»^۱ روستاشهری کمک کرده، اما «پیوندهای اجتماعی»^۲ روستاشهری تا حد زیادی عقب مانده است (سان و لیو، ۲۰۱۴: ۱۹۹). توقع این بوده است که در برنامه‌های جدید شهرسازی در چین از سال ۲۰۱۵ به بعد، اولویت‌های سیاسی به پیوندهای اجتماعی روستاشهری داده شود.

۵. تجربه ایران

فرایند رابطه شهر و روستا در ایران در دوره‌های مختلف، برحسب شاخص‌هایی مانند جمعیت، محل سکونت، مهاجرت نیروی کار، دسترسی به خدمات و کالاهای مختلف را پذیرفته است. این تغییرات را می‌توان در دوره‌های قبل و بعد از انقلاب مطالعه کرد. به‌صورت جزئی‌تر می‌توان این رابطه را در سه دوره نسبتاً متمایز زیر تشریح کرد:

۵-۱. دوره اول: رویارویی شهر و روستا و آغاز مهاجرت به سوی شهرها

این دوره از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ را دربرمی‌گیرد؛ دوره‌ای که با انقلاب سفید آغاز و به انقلاب اسلامی ختم شد. قبل از این دوره به دلیل غلبه شیوه تولید روستایی و روابط فئودالی تولید در ایران، اغلب شهر از سکونتگاه‌های روستایی تفکیک‌ناپذیر و به قول برایان رابرتز^۳ (۱۹۷۸ نقل در چایچیان، ۱۳۹۰: ۸۳) مانند «شهر روستاییان» باقی مانده بود. همچنین مهاجرت گسترده روستاشهری در کشور وجود نداشت و حرکات جمعیتی، بیشتر بین شهری و بین روستایی بود. طبق آمارهای موجود، جمعیت کشور طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵، از ۲۵،۷۸۸،۰۰۰ نفر به ۳۳،۷۰۰،۰۰۰ نفر رسید. در این سال‌ها، جمعیت شهری از ۳۸ درصد به ۴۷ درصد افزایش یافت (جدول ۳).

جدول ۳. جمعیت شهری و روستایی در سال‌های مختلف

شرح	جمعیت کل کشور	جمعیت شهری	درصد	جمعیت روستایی	درصد
۱۳۰۰	۹۷۰،۷۰۰	-	-	-	-
۱۳۳۵	۱۸،۹۵۴،۷۰۴	۵،۹۵۳،۵۶۳	۳۱/۴	۱۳،۰۰۱،۱۴۱	۶۷/۳
۱۳۴۵	۲۵،۷۸۸،۷۲۲	۹،۷۹۴،۲۴۶	۳۸	۱۵،۹۹۴،۴۷۶	۵۹/۳
۱۳۵۵	۳۳،۷۰۸،۷۴۴	۱۵،۸۵۴،۶۸۰	۴۷	۱۷،۸۵۴،۰۶۴	۵۱/۹
۱۳۶۵	۴۹،۴۴۵،۰۱۰	۲۶،۸۴۴،۵۶۱	۵۴/۳	۲۲،۳۴۹،۳۵۱	۴۵/۲
۱۳۷۰	۵۵،۸۳۷،۱۶۳	۳۱،۸۳۶،۵۹۸	۵۷	۲۳،۶۳۶،۵۹۱	۴۲/۳
۱۳۷۵	۶۰،۰۵۵،۴۸۸	۳۶،۸۱۷،۷۸۹	۶۱/۳	۲۳،۰۲۶،۲۹۳	۳۸/۳
۱۳۸۵	۷۰،۴۹۵،۷۸۲	۴۸،۲۵۹،۹۶۴	۶۸/۵	۲۲،۱۳۱،۱۰۱	۳۱/۴
۱۳۹۰	۷۵،۱۴۹،۶۶۹	۵۳،۶۴۶،۶۶۱	۷۱/۴	۲۱،۴۴۶،۷۸۳	۲۸/۵
۱۳۹۵	۷۹،۹۲۶،۲۷۰	۵۹،۴۶۶،۸۴۷	۷۴	۲۰،۷۳۰،۶۲۵	۲۵/۹

1. Economic linkages
2. Social linkages
3. B. Roberts

۲۴	۲۰,۱۷۹,۰۰۰	۷۵/۹	۶۳,۸۷۶,۰۰۰	۸۴,۰۵۵,۰۰۰	۱۴۰۰
----	------------	------	------------	------------	------

منبع: سالنامه‌های آماری کشور ۱۳۸۵ و ۱۴۰۰: ۱۲۸؛ درگاه ملی آمار

طی این دوران، سیاست اصلاحات ارضی اجرا شد که هدف آن تضعیف پایه روستایی طبقه مالکان بزرگ و به‌کارانداختن و هدایت سرمایه‌گذاری از نواحی روستایی به فعالیت‌های صنعتی شهری بود. این راهبرد برنامه‌ریزی شده به فروپاشی اقتصاد پیش‌سرمایه‌داری روستایی انجامید. با اقدامات صورت‌گرفته برای صنعتی‌شدن کشور بر پایه مناسبات سرمایه‌داری در شهرها، رشد ناموزون شهری به شکل تمرکز سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های تجاری در چند مکان شهری به اوج خود رسید. تهران و چند شهر دیگر در راستای تأمین امکانات، تسهیلات و اشتغال برای موج جدیدی از مهاجران روستایی، ورای ظرفیت خود توسعه یافتند (چایچیان، ۱۳۹۰).

ایران در سال ۱۳۴۲ از محل نفت ۳۰۰ میلیون دلار درآمد داشت. این درآمد در سال ۱۳۵۶ به ۲۴ میلیارد دلار رسید؛ یعنی در مدت چهارده سال، هشتاد برابر شد. اقتصاد رشدی سریع، اما ناهمگون داشت. صرف‌نظر از نفت، بزرگ‌ترین سهم تولید ملی از آن خدمات بود، نه صنعت. در سال ۱۳۵۶، سهم صنعت (تولید نوین و سنتی، ساختمان و آب و برق) در تولید غیرنفتی ۲۹/۷ درصد و سهم خدمات ۵۵/۶ درصد بود. کشاورزی که بیش از نیمی از جمعیت بر آن متکی بود، ۱۴/۷ درصد باقی‌مانده را به خود اختصاص داده بود. سهم نفت و خدمات روی‌هم‌رفته حدود ۷۰ درصد کل تولید ملی بود (همایون‌کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۳۱۳). آمارهای بانک جهانی نیز همسو با این آمار با اندکی تفاوت، سهم کاهش‌یافته بخش کشاورزی را نشان می‌دهد (جدول ۴).

جدول ۴. سهم بخش‌های عمده اقتصادی در تولید ناخالص داخلی کشور در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷

۱۳۵۷ش/۱۹۷۸م	۱۳۵۰ش/۱۹۷۱م	۱۳۴۰ش/۱۹۶۱م	
۷۷/۹۹	۱۳/۷۳	۴/۴۳	تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار فعلی آمریکا)
۲۱۶۶/۹	۴۶۹/۱	۲۰۱/۴	سرانه تولید ناخالص داخلی (دلار فعلی آمریکا)
۷/۵	۱۲/۷	۲۴/۹	سهم کشاورزی (درصد)
۴۵/۷	۴۳/۱	۲۷/۹۸	سهم صنعت (درصد)
۴۸/۳	۴۰/۸	۴۲/۹	سهم خدمات (درصد)

منبع: بانک جهانی، ۲۰۲۳d و بانک جهانی ۲۰۲۳e

در سال ۱۳۵۷ ایران به‌مراتب ثروتمندتر از ۱۵ سال گذشته بود. جمعیت کشور در مقایسه با سال ۱۳۳۴ تقریباً دو برابر شد، اما در روستاها بیشتر رشد یافته بود. میزان مهاجرت از روستا به شهر فراوان بود و در سال ۱۳۵۶ اشتغال در صنایع و کشاورزی تقریباً برابر شده بود. ساختمان، صنعت و خدمات به سرعت در حال رشد بودند (جدول‌های ۴ و ۵). همچنین آموزش در همه سطوح به سرعت رشد می‌کرد.

جدول ۵. توزیع شاغلان دهساله و بیشتر برحسب سه بخش عمده اقتصادی طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۴۰۰

بخش عمده فعالیت	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵	۱۴۰۰
کشاورزی	۵۶/۳	۴۷/۵	۳۴	۲۹	۲۴/۴۸	۲۳/۰۴	۱۸	۱۸/۶	۱۸	۱۶/۳
صنعت ^۲	۲۰/۱	۲۶/۵	۳۴/۲	۲۵/۲۸	۲۷/۶۱	۳۰/۷۰	۳۱/۷۱	۳۳/۴	۳۱/۹	۳۳/۸
خدمات	۲۳/۶	۲۶	۳۱/۸	۴۲/۴۵	۴۳/۶۲	۴۴/۵۰	۴۷/۹۱	۴۸	۵۰/۱	۴۹/۸

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سالهای ۱۳۵۰، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰، ۱۳۹۵، ۱۴۰۰

با اینکه درآمد ملی در همه بخش‌های اقتصاد رشد می‌کرد، توزیع آن بسیار نابرابر بود. کاهش مداوم تولید کشاورزی نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی و سیاست‌های شهرسازی دولت سبب شد جامعه روستایی به‌طور مداوم، درآمد و رفاه خود را در مقایسه با شهر از دست بدهد. در سال ۱۳۵۶، درحالی‌که روستاییان ۵۵ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند، سهم آنان از کل مصرف تقریباً یک‌سوم مصرف شهرنشینان بود. این نابرابری به مهاجرت روزافزون از روستا به شهر انجامید و مشکلاتی در زمینه اشتغال، مسکن و مانند آن‌ها در شهر به‌وجود آورد (همایون کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۳۱۳). اشرف و بنوعیزی (۱۳۹۳: ۱۰۷) بر این باورند که حتی قبل از افزایش قیمت نفت در اوایل دهه ۱۳۵۰، ایران یکی از نامتقارن‌ترین الگوهای توزیع درآمد در دنیا را داشت. با اینکه روند تعادلی ناچیزی در سال ۱۳۵۴ آغاز شد، همچنان سطح زندگی در روستا خیلی پایین‌تر از مناطق شهری بود. براساس ارزیابی دهه ۱۳۵۰، نسبت درآمد شهر و روستا چهار به یک بود و موقعیت نسبی خانوارهای روستایی، حتی طی دوره رشد سریع اقتصادی نزول بیشتری یافت.

در فاصله ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۶، تولید کشاورزی رشد کرد، اما آهنگ رشد آن از دیگر بخش‌های اقتصادی کندتر بود. درواقع فاصله میان جامعه روستایی و شهری از نظر همه شاخص‌های رفاه مادی به شدت افزایش یافت. مصرف سرانه شهری در سال ۱۳۴۱ کمتر از دو برابر مصرف سرانه روستایی بود، اما در سال ۱۳۵۶ به بیش از پنج برابر رسید. به عبارت دیگر، مصرف سرانه روستایی از ۵۰ درصد مصرف شهری در سال ۱۳۴۱ به ۲۰ درصد آن در سال ۱۳۵۶ کاهش یافت (همایون کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۳۰۹).

درصد جمعیت تهی‌دست براساس «خط فقر» ۸۰۰ دلاری برای خانوار متوسط در سال (معیار بانک جهانی در سال ۱۳۵۰) از ۵۴ درصد در سال ۱۳۵۰ به ۲۸ درصد در سال ۱۳۵۴ کاهش یافت. برای خانوارهای شهری این کاهش از ۳۴ به ۱۵ درصد و برای خانوارهای روستایی از ۶۸ به ۴۱ درصد بود. ۷۴ درصد تهی‌دستان در مناطق روستایی زندگی می‌کردند. ۵۴ درصد در بخش کشاورزی مشغول به کار و ۸۴ درصد آن‌ها بی‌سواد بودند. در اواخر دهه ۱۳۴۰، مزدهای بیشتر در شهرها صدها هزار نفر از روستاییان بی‌زمین را وادار به مهاجرت به شهرهای بزرگ کرد؛ هرچند در شهر، اغلب در حلی آبادها و مناطق خارج از محدوده زندگی می‌کردند. تفاوت و نابرابری در مسکن، آموزش و پرورش، تغذیه و دسترسی به خدمات درمانی و خدمات عمومی میان مناطق شهری و روستایی چشمگیر بود؛ برای مثال در سال ۱۳۵۴، ۸۳ درصد از خانوارهای شهری برخوردار از برق و ۶۸ درصد برخوردار از آب لوله‌کشی بودند. برای خانوارهای روستایی، این ارقام به ترتیب ۱۲ و ۵ درصد بود (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۹۳: ۱۰۸ و ۱۰۹).

۱. شامل شاغلان ۱۵ ساله و بیشتر

۲. شامل استخراج معدن، صنعت، آب، برق، گاز و ساختمان

حاصل تلاش اقتصاد کشاورزی ایران در دوره ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷، تجاری‌شدن کشاورزی، وابستگی بخش کشاورزی و کاهش تولید و سرانجام، مهاجرت دهقانان از روستاها به شهرها و اختصاص زمین‌های کشاورزی به فعالیت‌های غیرکشاورزی بود. با طرح انقلاب سفید و اجرای اصلاحات ارضی، اول آنکه روابط کهنه ارباب-رعیتی در روستاها به روابط کالایی تبدیل شد، دوم زمین و کار که دیرزمانی لاینفک به نظر می‌رسیدند، از یکدیگر جدا شدند و به صورت دو کالای قابل خریدوفروش درآمدند و در نتیجه وابستگی دهقانان به زمین از بین رفت. از طرف دیگر، محصولات و تولیدات دهقانی، کالایی و جهانی شد. ضمن آنکه، روستاها به بازار مصرف کالاهای خارجی و داخلی تبدیل شدند.

در این دوره، بخش صنعت با برنامه‌ها و طرح‌های گسترده‌ای که از طرف اقتصاد جهانی ارائه می‌شد، حیات تازه‌ای یافت. کارخانه‌ها نیروهای انسانی ماهر و غیرماهر شهری و مهاجران روستایی را جذب کردند و بازارهای داخلی به مصرف کالاهای تولید داخل کشور و کالاهای وارداتی اختصاص یافت.

۵-۲. دوره دوم: مهاجرت گسترده روستاییان به شهرها

این دوره، سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۰ را شامل می‌شود. طی این سال‌ها جمعیت کشور رشد زیادی داشت و تقریباً دو برابر شد. جمعیت شهری نیز از جمعیت روستایی پیشی گرفت و از مرز ۶۰ درصد فراتر رفت (جدول ۳). در ادامه روند روبه‌رشد مهاجرت به‌ویژه بعد از اصلاحات ارضی، از ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۰، تعداد مهاجران به بالاترین حد خود رسید. به تعبیر برخی محققان (مشفق، ۱۳۸۹) «شتاب مهاجرتی» از ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵ رو به افزایش بود، اما مقدار این شاخص در دهه ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ کاهش یافت. در تأیید این بحث، کاظمی‌پور (۱۳۹۱) به نقل از محمودیان و اردهایی، (۱۳۹۶: ۱۰۸) بیان می‌کند که طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵، سهم مهاجرت در افزایش جمعیت شهری فقط حدود ۱۵ درصد بود. سهم افزایش طبیعی جمعیت شهری، تبدیل روستا به شهر و ادغام روستاها به مجموعه شهری به ترتیب ۵۸، ۲۳ و ۳ درصد بود.

سرانه تولید ناخالص داخلی از ۲۴۲۹ دلار در سال ۱۳۵۸ به ۱۹۰۳ دلار در سال ۱۳۸۰ (برمبنای دلار فعلی آمریکا) کاهش یافته است. در این سال‌ها، سهم کشاورزی در تولید ناخالص داخلی کمی افزایش یافته و از ۷/۵ به ۸/۳ درصد رسیده است. در عین حال، سهم صنعت با وجود نوساناتی که داشته، از ۴۵/۷ درصد تا حدود ۴۰ درصد کاهش پیدا کرده و سهم بخش خدمات نیز از ۴۸/۳ به ۵۲/۳ افزایش یافته است. سهم اشتغال در بخش کشاورزی از ۳۴ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۲۳ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته و در بخش صنعت از ۳۴/۲ به ۳۰/۷ درصد رسیده است. در سال ۱۳۵۵، سهم اشتغال در بخش خدمات ۳۱/۸ درصد و از سهم صنعت و کشاورزی کمتر بود. اما در سال ۱۳۷۵، بیشترین سهم اشتغال برای بخش خدمات شد و به ۴۴/۵ رسید (جدول‌های ۵ و ۶).

جدول ۶. سهم بخش‌های عمده اقتصادی از تولید ناخالص داخلی در بعد از انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۱

سال	۱۳۵۸	۱۳۶۰	۱۳۶۹	۱۳۸۰	۱۳۹۰	۱۳۹۵	۱۴۰۰	۱۴۰۱	شرح
تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار فعلی آمریکا)	۹۰/۳۹	۱۰۰/۵	۱۲۴/۸۱	۱۲۶/۸۸	۶۲۶/۱۳	۴۵۷/۹۵	۳۵۹/۱	۴۱۳/۴۹	
سرانه تولید ناخالص داخلی (دلار فعلی آمریکا)	۲۴۲۹/۶	۲۴۸۲/۹	۲۲۳۷/۱	۱۹۰۲/۹	۸۲۰۱/۶	۵۴۹۷/۲	۴۰۸۴/۲	۴۳۸۷/۸	
سهم کشاورزی (درصد)	۸/۶	۱۳/۷	۱۲/۵	۸/۳	۴/۶	۹/۸	۱۲/۴	۱۲/۵	
سهم صنعت (درصد)	۴۵/۸	۳۴/۷	۳۲/۸	۳۹/۹	۴۶/۲	۳۴/۴	۳۸	۴۰/۲	
سهم خدمات (درصد)	۴۸/۶	۵۲/۶	۵۲/۳	۵۲/۳	۴۸/۷	۵۲/۵	۴۷/۳	۴۶/۹	

منبع: بانک جهانی، ۲۰۲۳d و بانک جهانی، ۲۰۲۳e

۵-۳. دوره سوم: شهری شدن روستاها

از ابتدای دهه ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰، تغییرات مهمی در فرایند یکپارچگی شهر و روستا اتفاق افتاد. در این زمینه جمعیت کشور، در بستر روند جهانی، به طور فزاینده‌ای به سمت شهرگرایی پیش رفت. براساس آمار موجود، جمعیت روستایی از ۳۸/۳ درصد در سال ۱۳۷۵، به ۲۵/۹ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است و برآورد می‌شود این رقم تا سال ۱۴۳۰ شمسی به حدود ۱۵ درصد برسد (مرکز آمار ایران، دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری گروه جمعیت و سلامت، ۱۳۹۸الف: ۹۷).

جدول ۷. توزیع نسبی مهاجران داخلی برحسب جریان‌های مهاجرت در سرشماری‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵

مبدأ و مقصد	۱۳۶۵-۱۳۵۵	۱۳۷۵-۱۳۶۵	۱۳۸۵-۱۳۷۵	۱۳۹۰-۱۳۸۵	۱۳۹۵-۱۳۹۰
شهر به شهر	۴۰	۴۸	۵۴	۶۵	۶۸
روستا به شهر	۳۲	۲۲	۲۰	۱۳	۱۴/۵
روستا به روستا	۱۴	۱۲	۹	۷	۵
شهر به روستا	۱۴	۱۸	۱۷	۱۵	۱۲

منبع: درگاه ملی آمار، ۱۴۰۲؛ مرکز آمار ایران، دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری، ۱۳۹۸ب: ۱۸.

در چند دهه اخیر نرخ مهاجرت روستا به شهر، روندی کاهشی نشان می‌دهد و از ۳۲ درصد در دهه ۱۳۵۵-۱۳۶۵ (که بالاترین حد در مقایسه با دوره‌های دیگر و تقریباً یک‌سوم مهاجرت‌های داخلی است) به ۱۳ درصد (حدود یک‌هشتم مهاجرت‌های داخلی) در

سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۰ رسید. اما از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ تا حدودی افزایش یافت (جدول ۷)؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت با گذر زمان، سهم مهاجرت روستاشهری در روند شهرنشینی و کاهش نسبت جمعیت روستایی، در مقایسه با عامل تغییرات تقسیمات کشوری (تبدیل روستا به شهر و الحاق روستا به شهر) کمتر و کمتر شده است. برای تحلیل تحولات جمعیت روستایی باید به روند تغییرات معیارهای تبدیل نقاط روستایی به شهر در ایران توجه کرد.

جدول ۸. روند تغییر معیارهای قانونی تبدیل مناطق روستایی به شهر در ایران

توضیحات	معیار تبدیل و ارتقای روستا به شهر	
مجموعه‌ای از ملاک‌های کمی، کیفی، تاریخی و سیاسی-اداری	فاقد ملاک	تا سال ۱۳۳۵
	۵۰۰۰ نفر جمعیت	۱۳۳۵-۱۳۵۵
کلیه مراکز شهرستان‌ها (بدون در نظر گرفتن جمعیتشان)، شهر محسوب می‌شدند.	۵۰۰۰ نفر + کلیه مراکز شهرستان‌ها	۱۳۵۵-۱۳۶۲
مرکز آمار ایران علاوه بر تغییر معیار کمی شهرشدن، نقاط جمعیتی‌ای را که وزارت کشور به دلایل امنیتی، سیاسی-اداری و راهبردی، در آن‌ها شهرداری تأسیس کرده نیز شهر محسوب کرده است.	۱۰۰۰۰ هزار نفر + وجود شهرداری	۱۳۶۲-۱۳۷۱
روستاهای مرکز بخش با هر میزان جمعیت و روستاهای واجد شرایط چنانچه در تراکم کم دارای ۴۰۰۰ و در تراکم متوسط دارای ۶۰۰۰ نفر جمعیت باشند، شهر شناخته می‌شوند.	۴۰۰۰ و ۶۰۰۰ نفر + روستاهای مرکز بخش	۱۳۷۱-۱۳۸۹
روستاهای مرکز بخش با هر جمعیتی، و روستاهای واجد شرایط چنانچه دارای ۳۵۰۰ نفر جمعیت باشند، شهر شناخته می‌شوند.	۳۵۰۰ + مرکز بخش + روستاهای واجد شرایط	۱۳۸۹ به بعد

منبع: اطهاری، ۱۳۹۹: ۲۹ به نقل از زنگنه شهرکی، ۱۳۹۲

در سال ۱۳۳۵ حدود ۲۰۰ نقطه شهری در ایران وجود داشت که بیشتر شهرهای کهن ایران را شامل می‌شد. با رشد جمعیت و با معیار ۵۰۰۰ نفری شهر در سال ۱۳۵۵، تعداد شهرها به ۳۷۳ و در سال ۱۳۶۵ به ۴۹۶ رسید. گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی در روستاهای پیراشهری و نیز رشد روستاهای مرکزی تا سال ۱۳۷۵، تعداد شهرها را به ۶۱۲ رساند که خصلت جهشی دارد. کاهش تدریجی رشد جمعیت و شهرنشینی، روند افزایش تعداد شهرها را تا سال ۱۳۹۰ کاهش داد و به ۱۱۳۹ رساند. اما تسهیل تبدیل روستاهای مرکزی دهستان به شهر به دلیل مزیتی که شهرشدن برای آن‌ها فراهم می‌آورد، بار دیگر شتاب آن را افزایش داد؛ به طوری که در سال ۱۴۰۰ تعداد شهرها به ۱۴۱۹ عدد رسید (ر.ک: اطهاری ۱۳۹۹، همچنین جدول‌های ۸ و ۹).

جدول ۹. تعداد نقاط شهری و آبادی‌های ایران (۱۳۳۵-۱۴۰۰)

تعداد آبادی‌ها		نقاط شهری	سال
خالی از سکنه	دارای سکنه		
*	۴۹۰۰۴۰	۱۹۹	۱۳۳۵
۱۵۰۹۲۵	۸۲۰۳۶۳	۲۷۲	۱۳۴۵

* تعداد آبادی‌های خالی از سکنه سال ۱۳۵۵ مشخص نیست.

تعداد آبادی‌ها		نقاط شهری	سال
خالی از سکنه	دارای سکنه		
۲۶،۹۵۲	۹۲،۰۰۷	۳۷۳	۱۳۵۵
۳۸،۵۷۱	۱۰۳،۹۲۰	۴۹۶	۱۳۶۵
۵۷،۷۰۵	۱۲۵،۸۲۷	۶۱۲	۱۳۷۵
۲۷،۴۰۶	۹۱،۳۱۰	۱۰۱۶	۱۳۸۵
۳۴،۷۹۹	۹۶،۵۴۹	۱۱۳۹	۱۳۹۰
۳۵،۲۵۴	۶۲،۲۸۴	۱۲۴۲	۱۳۹۵
-	-	۱۴۱۹	۱۴۰۰

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰؛ مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱: ۱۳

از دهه ۱۳۶۰ دولت به منظور جذب سرریز جمعیت، کاهش بار اقتصادی بر کلان‌شهرها و جلوگیری از رشد بی‌قواره آن‌ها، اقدام به ساخت شهرهای جدید کرد. این برنامه در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰، با سیاست ساخت مسکن مهر به اوج خود رسید و همچنان در دولت فعلی تحت عنوان نهضت ملی مسکن از سر گرفته شده است. نتیجه این طرح، ایجاد شهرهای کوچکی در حاشیه شهرهای بزرگ بوده است که جاذب جمعیت شهری و بعضاً روستایی بوده‌اند. این نوع سیاست‌ها، شهرنشینی روزافزون و بی‌رویه را در کشور دامن زد و به‌طور کلی موجب مهاجرت گسترده به شهرها و ناپایداری اقتصاد و اجتماع روستایی شد. شهرهای جدید پردیس، اندیشه، پرند و هسگرد در اطراف تهران نتیجه این سیاست است.

بر مبنای داده‌های بانک جهانی (۲۰۲۳d)، سرانه تولید ناخالص داخلی طی این دوران، در ابتدای دهه ۱۳۹۰ به بالاترین حد (۸۳۲۹ دلار) در صد سال اخیر رسید و از آن به بعد تا سال ۱۳۹۹ شیب نزولی داشت و در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ تا حدودی افزایش پیدا کرد. سهم کشاورزی در تولید ناخالص داخلی از ۸/۳ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۴/۶ درصد در سال ۱۳۹۰ کاهش یافت. اما در سال‌های بعدی کمی بهبود یافت؛ تا جایی که در سال ۱۴۰۱ تا ۱۲/۵ درصد افزایش یافت. سهم صنعت در شاخص مذکور همواره در نوسان بوده است؛ به طوری که در سال‌های ۱۳۸۴ به بیشترین حد خود در بعد از انقلاب اسلامی یعنی ۴۹/۶ درصد رسید (بانک جهانی، ۲۰۲۳e) و در سال ۱۴۰۰ نزدیک به ۴۰ درصد شد. سهم بخش خدمات در شاخص تولید ناخالص داخلی نیز از سال ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ از ۴۸/۷ به ۴۷/۳ درصد کاهش یافت. از سال ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰، سهم اشتغال در بخش کشاورزی، از ۱۸ درصد به ۱۶/۳ درصد کاهش و در بخش صنعت از ۳۱/۷۱ درصد به ۳۳/۸ درصد افزایش پیدا کرد. در دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ بخش خدمات کماکان بیشترین سهم اشتغال را داشت و در سال ۱۴۰۰ به ۴۹/۸ درصد رسید (جدول‌های ۵ و ۶).

به‌طور کلی با توجه به مباحث ذکر شده می‌توان در تحلیل و دستاوردهای حاصل از پیوندهای روستاشهری در توسعه اجتماعی ایران توضیحات زیر را ارائه کرد:

الف) کاهش نسبی فقر: قبل از انقلاب اسلامی، فقر و فاصله درآمدی بخش‌های شهری و روستایی بسیار زیاد بود و در سال‌های بعد، مهاجرت‌های روستایی به شهرها عامل اصلی کاهش‌دهنده فاصله درآمدی روستا و شهر شدند. میزان فقر در قبل و بعد از انقلاب در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری است. به‌طور کلی در دهه ۱۳۷۰ فقر روستایی روند افزایشی داشت، اما در دهه بعد روند آن کاهشی شد. با وجود این، بعد از سال ۱۳۸۶، شکاف درآمدی شهر و روستا افزایش پیدا کرد (عنبری و پیری، ۲۰۲۳). داده‌ها

نشان می‌دهد بعد از انقلاب، بیشترین ارقام ضریب جینی در سال‌های میانی دهه ۱۳۸۰ ثبت شده است. از این‌رو، در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰، فاصله درآمد روستاشهری افزایش یافت، اما از دهه نود به بعد تا حدودی کاهش پیدا کرد. به‌طور کلی با وجود کاهش فاصله درآمدی و نابرابری روستاشهری در این دوران، می‌توان گفت فقر روستایی از شهر بیشتر است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱: ۳۹؛ دفتر جمعیت، نیروی کار و اقتصاد خانوار، ۱۴۰۲).

در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰، به‌دلیل غلبه سیستم توزیع کالاهای یارانه‌ای، از شدت فقر در نواحی شهری و به‌طور خاص روستایی کاسته شد، اما از نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ تا سال ۱۴۰۲، به‌دلیل شرایط بد اقتصادی در اثر تحریم‌های اقتصادی، بحران‌های زیست‌محیطی و سوءمدیریت‌ها، بر میزان فقر نسبی جامعه ایران افزوده شده است. حتی توزیع این فقر برحسب مناطق زندگی (روستایی و شهری) و گروه‌های درآمدی نیز نابرابر بوده است.

ب) کاهش نسبی فاصله درآمدی روستاشهری: موضوع درآمد و هزینه‌های خانوار، تفاوت‌ها در مناطق شهری و روستایی را نیز نشان می‌دهد (سالنامه آماری سال‌های ۱۳۶۰، ۱۳۷۰، ۱۳۸۵، ۱۴۰۰). گروه مهندسی خرد (۱۳۹۲)، برای نسبت درآمدها به هزینه در دولت‌های پس از انقلاب می‌نویسد: در دهه اول انقلاب در مناطق شهری کاهش زیادی داشت، اما در مناطق روستایی بهبود یافت. در دولت سازندگی (۱۳۶۸-۱۳۷۵) در مناطق شهری با بهبود بیشتری در مقایسه با مناطق روستایی همراه بود. در دولت اصلاحات، در مناطق شهری اندکی بهبود یافت، اما در مناطق روستایی با کاهش مواجه شد. در دولت مهرورزی (۱۳۸۴-۱۳۹۱) در خانوارهای شهری و روستایی به‌شدت کاهش پیدا کرد. در مجموع، ارقام نشان می‌دهد در خانوارهای شهری شاخص درآمدها به هزینه در پایان دولت اصلاحات به بیشترین حد خود رسید. در خصوص خانوارهای روستایی هم این شاخص در پایان دولت انقلاب و جنگ به بیشترین حد خود و در دولت مهرورزی به کمترین حد رسید.

در سال ۱۳۹۵ فاصله درآمدی شهر و روستا تا حدودی کمتر شد. اگرچه طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۱، شکاف درآمدی شهر و روستا با نواساناتی همراه بوده و همچنان درآمد سالانه خانوار شهری از روستایی بیشتر است، روی هم‌رفته فاصله درآمد میان آن‌ها روند نزولی داشته است. از طرفی فاصله متوسط هزینه سالانه آن‌ها افزایش یافته و برای خانوارهای شهری بیشتر بوده است. این شاخص تا حدودی بیانگر رویکرد اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها و عملکرد کلان اقتصادی آن‌ها در حوزه معیشت و اقتصاد خانواده‌ها است. آمارها نشان می‌دهد در سال‌های اخیر به‌دلیل تورم اقتصادی فزاینده، وضعیت خانوارهای روستایی و شهری در حوزه‌های مذکور تنزل یافته است؛ برای نمونه در سال ۱۳۷۰ سهم هزینه گوشت برای خانوار شهری و روستایی به ترتیب ۲۵/۶۸ و ۲۲/۲۹ درصد از هزینه‌های خوراکی و دخانی را شامل می‌شد. در مقایسه، در سال ۱۴۰۰ این ارقام هم برای شهر و هم برای روستا کاهش پیدا کرد و تقریباً با هم برابر و حدود ۲۱ درصد شد. همچنین در سال ۱۳۷۰، هزینه تفریحات، سرگرمی‌ها و خدمات فرهنگی برای شهر و روستا به ترتیب ۳/۳ و ۳ درصد از هزینه ناخالص را شامل می‌شد؛ درحالی‌که این رقم در سال ۱۴۰۰ برای شهر و روستا ۲/۱ است (سالنامه‌های آماری ۱۳۸۵ و ۱۴۰۰).

پ) بهبود شاخص‌های رفاه و توسعه اجتماعی: طی ۲۰ سال گذشته، شکاف میان شهر و روستا در شاخص‌های رفاهی کاهش زیادی پیدا کرده است، اما همچنان شهرها از وضعیت بهتری برخوردارند. در سال ۱۳۷۹ همه مناطق شهری و حدود ۹۴ درصد مناطق روستایی از برق برخوردار بودند. اخیراً تمام مناطق شهری و روستایی به برق دسترسی دارند. طی سال‌های مذکور، بیشتر مناطق شهری به آب سالم دسترسی داشتند (حدود ۹۸ درصد)؛ دسترسی به آب برای مناطق روستایی نیز با اینکه بیشتر از ۱۵ واحد

رشد کرد و به حدود ۹۴ درصد رسید، کماکان شهرها وضعیت بهتری دارند. با وجود پیشرفت‌های چشمگیر، هنوز دسترسی به سیستم فاضلاب نسبت به کل جمعیت زیاد نیست. در سال ۱۴۰۱ حدود ۸۲ درصد ساکنان روستایی در مقایسه با ۹۳ درصد ساکنان شهری، از سیستم فاضلاب برخوردار بودند (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. شاخص‌های رفاهی در مناطق شهری و روستایی

۲۰۲۲ / ۱۴۰۱	۲۰۲۰ / ۱۳۹۹	۲۰۱۵ / ۱۳۹۴	۲۰۱۰ / ۱۳۸۹	۲۰۰۵ / ۱۳۸۴	۲۰۰۰ / ۱۳۷۹	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۹۹/۴	۹۸/۴	۹۷/۹	دسترسی به برق (درصد کل جمعیت)
۱۰۰	۱۰۰	۹۹/۹۶	۹۹/۹	۹۹/۷	۱۰۰	جمعیت شهری
۱۰۰	۱۰۰	۹۹/۸	۹۸/۳	۹۵/۷	۹۴/۲	جمعیت روستایی
۹۷/۷	۹۷/۴	۹۶/۸	۹۶	۹۵/۲	۹۴/۲	دسترسی به آب (درصد کل جمعیت)
۹۸/۷	۹۸/۶	۹۸/۵	۹۸/۳	۹۸/۲	۹۸	جمعیت شهری
۹۴/۴	۹۲/۱	۹۲/۱	۹۰	۸۹	۷۸/۲	جمعیت روستایی
۹۰/۴	۹۰/۳	۸۸/۲	۸۵/۷	۸۱/۹	۷۸/۲	دسترسی سیستم‌های فاضلاب (درصد کل جمعیت)
۹۲/۸	۹۲/۸	۹۲/۱	۹۱	۸۹	۸۷/۷	جمعیت شهری
۸۲/۳	۸۲/۳	۷۷/۳	۷۲	۶۷	۶۲/۳	جمعیت روستایی

منبع: بانک جهانی، ۲۰۲۳ع

۶. مقایسه و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر تحولات پیوندهای روستاشهری را در دو کشور چین و ایران با روش تحلیل تطبیقی-تاریخی مقایسه و بررسی کرد. دو کشور در فرایندهای شهرنشینی، رشد اقتصادی-اجتماعی و روابط روستاشهری، مشابهت‌ها و تفاوت‌هایی داشته‌اند. در اواسط قرن بیستم میلادی، هر دو کشور، مرحله پیش‌سرمایه‌داری را پشت سر گذاشتند و به‌سرعت در راه صنعتی‌شدن و شهرگرایی گام برداشتند. چین در اواخر این قرن، بیشتر از ایران به اصلاحات اقتصادی متمرکز بر خصوصی‌سازی و روابط آزاد روی آورد؛ به‌گونه‌ای که دگرگونی‌های آشکار اقتصادی در این کشور را می‌توان مبتنی بر روابط بین‌المللی و حمایت دولت از بخش خصوصی دانست. در ایران نیز در دولت‌های سازندگی و اصلاحات (از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۳) این رویکرد تا حدودی پیگیری شد، اما وابستگی درآمدهای دولتی بر نفت همچنان به قوت خود باقی ماند.

جمعیت ایران از سال ۱۹۸۱/۱۳۶۰ و جمعیت چین از سال ۲۰۱۱/۱۳۹۰ عمدتاً شهری شدند. این شهرنشینی بیشتر حاصل مهاجرت روستاییان به شهرها بود. البته به روند شهرنشینی بی‌رویه و ناپایدار هر دو کشور نقدهایی وارد شده است. در ایران اشکالی از بحران‌های زیست‌محیطی مانند خشکسالی، ریزگردها و... و همچنین ناپایداری اقتصادی و معیشتی، سبب جابجایی‌های نامتوازن جمعیتی شده و متعاقب آن، شکلی از حاشیه‌نشینی در کنار شهرهای بزرگ شکل گرفته است. در چین نیز شهرنشینی گسترده‌ای تحت

سیاست‌های رشدمحور اقتصادی به بهای رشد نامتوازن شهری صورت گرفت، اما دولت با سرمایه‌گذاری در بخش‌های روستایی درصدد جبران پیامدهای منفی این فرایند برآمد. درواقع برای هردو کشور، روند مهاجرت عمدتاً از روستا به شهرها بوده است و وسعت زمین‌های روستایی کاهش یافته‌اند. علاوه‌براین، شهرهای احداثی و جدید برای کنترل تعادل جمعیت و نیروی کار در هردو کشور بازدهی و کارآمدی لازم را نداشته‌اند. ایران بیشتر برنامه‌های بخشی و مجزای توسعه روستایی و شهری را پیش برده، اما چین با برنامه‌های مشخص برای یکپارچگی شهر و روستا و ایجاد توسعه منطقه‌ای موفق‌تر عمل کرده است.

در ایران به‌خصوص ایران بعد از انقلاب، فقر مطلق کاهش چشمگیر داشته است، اما به‌دلایل توزیع نامناسب درآمد، مناقشه با نظام جهانی، تحریم‌های اقتصادی، عدم برنامه‌ریزی هماهنگ در سطوح مختلف و... روند کاهش فقر و فاصله آن میان شهر و روستا با نوساناتی همراه بوده و فقر در مناطق روستایی کماکان بیشتر از مناطق شهری است. در چین نیز ضرایب کاهش فقر با سرعت خیلی بیشتری همراه بوده، اما هنوز درصد فقر روستایی از درصد فقر شهری بیشتر است. براساس داده‌های بانک جهانی (۲۰۲۳)، نسبت افراد فقیر با درآمد کمتر از ۲/۱۵ دلار در روز، در سال ۱۹۹۰/۱۳۶۹ برای چین و ایران به‌ترتیب ۷۲ و ۸/۴ درصد بود؛ درحالی‌که این رقم در سال ۲۰۱۹ به ۰/۱ و ۰/۹ درصد رسید. دو کشور در شروع تحولات در شاخص‌های توسعه یکسان نبوده‌اند. چین به‌صورت جهشی فرایند تحول را طی کرده، اما ایران با افت‌وخیزهایی همراه بوده است. رشد درآمد ناخالص ملی دولت در چین نیز تحت‌تأثیر ارتباط با بازار جهانی، اقتصاد آزاد و خصوصی‌سازی، روند افزایشی مستمر را پیموده، اما در ایران همچنان بیشتر درآمد دولت وابسته به نفت بوده است.

در ایران برنامه اصلاحات ارضی قبل از انقلاب اسلامی و سیاست‌های عمرانی در روستاها در بعد از انقلاب، تأثیری بنیادین بر بافت جمعیتی و نظام اقتصادی روستاها و شهرها گذاشت. بعد از انقلاب ۱۳۵۷ خاصه در دهه اول، در راستای سیاست‌های محرومیت‌زدایی و کاهش فقر در روستاها، بر تولیدات کشاورزی و مناطق روستایی به‌عنوان تولیدکنندگان انقلابی تمرکز بیشتری صورت گرفت و امکانات زیادی به‌سمت روستاها روانه شد. این امر تا حدودی به بهبود شرایط روستا و کاهش شکاف روستاشهری انجامید، اما نه‌تنها مانع روند شهرنشینی سریع نشد، بلکه خود مزید بر علت بود. با کاهش روزافزون جمعیت و وسعت مناطق روستایی کشور، ظرفیت تولیدی آن رو به کاهش است. به‌طورکلی طی دهه‌های اخیر، فاصله شهر و روستا در شاخص‌های توسعه‌ای و رفاهی کمتر شده، اما در مجموع وضعیت معیشت و اقتصاد خانوارهای روستایی و شهری هردو تنزل یافته است.

در برنامه‌ریزی‌های کشور چه در سطح کلان و چه در سطح خرد باید به پیوندهای روستاشهری و ایجاد توازن‌های منطقه‌ای اولویت داده شود و از رویکرد بخشی‌نگر فاصله گرفته شود.

به‌طورکلی توسعه چین می‌تواند تجارب مفیدی برای ایران در قرن جدید ارائه کند که در ادامه به سه مورد مهم به‌عنوان پیشنهاد اشاره می‌کنیم:

۱. در چین، فقر روستایی با مهاجرت‌های گسترده از روستا به شهر کاهش جدی یافته است. هرچند در برخی موارد، شهرنشینی ناپایدار و نابرابر مورد انتقاد کارشناسان توسعه است. دولت در تلاش است بهبود معیشت ساکنان روستایی را از طریق رونق و تشدید بهره‌وری کشاورزی، تأمین اعتبار برای بنگاه‌های روستایی، افزایش مشاغل غیر زراعی و ارتقای کیفیت خدمات عمومی روستایی تأمین کند (گاریه، ۱۳۹۹)؛

۲. انقلاب سبز در چین و بعدها آزادسازی بخش تجارت، زمینه پیشرفت و بهبود معیشت روستایی، به همراه جذب نیروی مازاد بخش کشاورزی به بخش صنعتی را فراهم کرد. در این دوره، صنعتی شدن در مناطق شهری، تنها راه حل بهبود معیشت روستایی نبود؛ زیرا شواهد نشان داد شکاف و تنش روستا و شهر بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۰ رو به افزایش بوده، اما از میانه دهه ۲۰۰۰، رویکرد توسعه متمرکز بر مناطق صنعتی شهری، به راهبرد چندبخشی و یکپارچه تغییر جهت داده است. این راهبرد بر توازن توسعه در تمامی مناطق تأکید دارد و شامل تلاش‌هایی برای متنوع کردن اقتصاد محلی از جمله رقابت در بخش خدمات، حمایت از صنایع پیشرفته‌تر و افزایش تقاضای مصرف است؛

۳. سرمایه‌گذاری‌های هدفمند، به افزایش بهره‌وری می‌انجامد. از اوایل دهه ۲۰۰۰، چین سرمایه‌گذاری‌های زیادی در مناطق غربی و نواحی داخلی داشته است. دولت مرکزی برای ارتقای سرمایه انسانی در امور بهداشت، آموزش، زیرساخت‌ها و خدمات عمومی، سرمایه‌گذاری‌های سنگینی کرده است (کریستینسن^۱ و همکاران، ۲۰۱۳). امید است موارد فوق به عنوان دستاوردهای مفید یک کشور، برای ایران نیز آموزنده و قابل پیگیری باشند.

مأخذ مقاله: تألیف مستقل. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- اشرف، احمد و بنوعیزی، علی (۱۳۹۳). *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران*. ترجمه سهیلا ترابی فارسانی. چاپ سوم. تهران: نیلوفر.
- اطهاری، کمال (۱۳۹۹). *درآمدی بر سرمشق نوین توسعه کشاورزی و روستایی ایران*. چاپ اول. تهران: نشرنی.
- بیکر، ترزال. (۱۳۹۰). *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*. ترجمه هوشنگ نایی. تهران: نشرنی.
- چایچیان، محمدعلی (۱۳۹۰). *شهر و روستا در خاورمیانه، ایران و مصر در گذار به جهانی شدن ۱۹۷۰-۱۸۰۰*. ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی. تهران: دانشگاه تهران.
- سعیدی، عباس (۱۴۰۰). *منظومه روستایی-شهری چارچوبی برای توسعه یکپارچه سکونتگاهی، در: توسعه روستایی در ایران*. به کوشش حامد قادر مرزی و علی شیرکانی، کرج: جهاد دانشگاهی واحد خوارزمی.
- طالب، مهدی و عنبری، موسی (۱۴۰۲). *جامعه‌شناسی روستایی با تأکید بر تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران*. ویراست دوم. چاپ ششم. تهران: دانشگاه تهران.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۹۱). *روند تحولات شهرنشینی و توزیع فضایی جمعیت در ایران*. مجموعه مقالات همایش ملی جمعیت، تعالی و راهبردها. جلد اول. تهران: سازمان ثبت احوال کشور، ۲۲ و ۲۳ اسفند ۱۳۹۱.
- گاریه، آنجل (۱۳۹۹). *پارادایم نوین توسعه روستایی*. ترجمه موسی عنبری و حسن مؤمنی. چاپ اول. تهران: اندیشه احسان.
- گروه مهندسی خرد (۱۳۹۹). *داستان توسعه در ایران*. دفتر دوم. تهران: لوح فکر.
- محمودیان، حسین و قاسمی اردهایی، علی (۱۳۹۶). *مهاجرت‌های داخلی و شهرنشینی در ایران، در: تحولات و وضعیت جمعیت در جمهوری اسلامی ایران*. تهیه‌کننده: محمدجلال عباسی شوازی، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.

مشفق، محمود (۱۳۹۸). مهاجرت‌های داخلی در ایران: بررسی سطوح و روندهای مهاجرت‌های داخلی در ایران و عوامل مؤثر بر آن در دوره ۱۳۵۵-۱۳۸۵. رساله دکتری جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی: دانشگاه تهران.

مرکز آمار ایران (۱۴۰۲). چکیده نتایج طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوار شهری و روستایی سال ۱۴۰۱. دفتر جمعیت، نیروی کار و اقتصاد خانوار.

<https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1402/hazineh%20daramad1401.pdf?ver=dqDR7ojDLzIyd13v3Xs7RA%3d%3d>

مرکز آمار ایران (۱۴۰۱). شاخص‌های کلان اقتصادی و اجتماعی کشور. تهران: دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری‌های بین‌المللی.

مرکز آمار ایران، سالنامه‌های آماری ۱۳۵۰، ۱۳۶۹، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰، ۱۳۹۵، ۱۴۰۰. تهران: دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری‌های بین‌المللی.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۸ الف). گزارش تحلیلی: بررسی روند تغییرات ساختار و ترکیب جمعیت کشور و آینده آن تا افق ۱۴۳۰ شمسی براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵. مجری طرح: الهام فتحی. دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری گروه جمعیت و سلامت.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۸ ب). بررسی ویژگی‌های مهاجران و غیر مهاجران در دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۵. دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری.

https://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/fulltext/1398/N_brtsvtjkaato1430.pdf

همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۹). ایرانیان دوران باستان تا دوره معاصر. ترجمه حسین شهیدی. چاپ هفدهم. تهران: مرکز.

- Allen, A. (2003). *Environmental planning and management of the peri-urban interface: perspectives on an emerging field. Environment & Urbanization*, 15(1).
- Anbari, M., & Piri, S. (2023). Poverty and Deprivation problems in post-Revolutionary Iran. *Middle East Critique*, 32(4), 471. <https://doi.org/10.1080/19436149.2023.2263827>
- Ashraf, A., & Banouazizi, A. (2014). *Social classes, state and revolution in Iran* (3rd edition). Translated by: S. Torabi Farsani. Tehran: Niloofer. (In Persian)
- Athari, K. (2019). *An introduction to the new paradigm of agricultural and rural development in Iran*. Tehran: Ney. (In Persian)
- Baker, T. L. (2011). *Doing social research*. Translated by: H. Naibi. Tehran: Ney. (In Persian)
- Chaichian, M. A. (2009). *Town and Country in the Middle East, Iran and Egypt in the Transition to Globalization 1800-1970*. Translated by: Hamidreza Parsi and Arezoo Aflatuni, Tehran: Tehran University Press. (In Persian)
- Christaller, walter (1933). *Die zentralen Orte in Ssudeutschland*, Jena.
- Christiaensen, L., Pan, L., & Wang, S. (2013). Pathways out of poverty in lagging regions: Evidence from rural western China. *Agricultural Economics (United Kingdom)*, 44, 25-44. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1574-0862.2012.00630.x>
- Doughlass, M. (1998). A Regional Network Strategy for Reciprocal Rural-Urban Linkages: An Agenda for Policy Research with Reference to Indonesia. *Third World Planning Review*, 20(1), 1998.
- Fan, S., Kanbur, R., & Zhang, X. (2011). China's regional disparities: Experience and policy. *Review of Development Finance*, 1, 47-56.
- Fan, Sh., Chan-Kang, C., & Mukherjee, A. (2005). Rural and Urban Dynamics and Poverty: Evidence from China and India. *International Food Policy Research Institute*.
- Fridmann, J., & Douglass, M. (1978). *Agropolitan development: towards a new strategy for regional planning in Asia*. Growth Pole Strategy and Regional Development Policy, Asian Experience and Alternative Approaches, 1978, 163-192. <https://www.sciencedirect.com/science/book/9780080219844>
- Gherkhlu, M., Ajza Shokuhi, M., & Khazainejad, F. (2011). Effective factors on the population of new satellite cities. *Human Geography Research*, 79, 75-86. (In Persian)

- Gurria, Angel (2020). *A new rural development paradigm* (1st edition). Translated by: M. Anbari & H. Momeni. Tehran: Andisheh Ehsan. (In Persian)
- Homayoun Katuzian, M. A. (2019). *Ancient, Mediaeval, and Modern Iran*. Translated by: H. Shahidi. Tehran: Markaz. (In Persian)
- Kazemipour, Sh. (2012). *The trends of urbanization and spatial distribution of population in Iran*. Collection of articles of the National Conference on Population, Superiority and Strategies. Vol. 1. Tehran: National Organization for Civil Registration of Iran. (In Persian)
- Kherad Engineering Department (2020). *The history of development in Iran. Second Office*. Tehran: Loh-e-Fekr. (In Persian)
- Mahmoudian, H., & Ghasemi Ardahai, A. (2017). Internal migrations and urbanization in Iran, In: *Population Trends and Situation in the Islamic Republic of Iran*. Producer: Mohammad Jalal Abbasi Shawazi, National Population Studies & Comprehensive Management Institute. (In Persian)
- Moshfegh, M. (2010). *Internal Migrations in Iran: levels, Trends and Determinants. PhD dissertation in Demography*, Faculty of Social Sciences: University of Tehran. (In Persian)
- OECD (2009). *OECD Rural Policy Reviews: China 2009*. OECD Publishing, Paris, <https://doi.org/10.1787/9789264059573-en>
- Saidi, A. (2021). The rural-urban system is a framework for integrated residential development. in: *Rural Development in Iran*, Academic Center for Education, Culture and Research of Kharazmi branch. (In Persian)
- Sun, L., & Liu, Z. (2014). Examining the Urban-Rural Linkages in China. *Regional Development Dialogue*, 35. Statistical Center of Iran, Statistical Yearbooks 1971, 1989, 2006, 2011, 2021. (In Persian)
- Tacoli, C. (1998). Rural-urban interactions: a guide to the literature. *Environment and Urbanization*, 10(1). <https://doi.org/10.1177/095624789801000105>
- Taleb, M., & Anbari, M. (2023). *Rural sociology with an emphasis on change and development in the rural society of Iran* (2nd edition). Tehran: Tehran University Press. (In Persian)
- UN-Habitat (2017). *Implementing the New Urban Agenda by Strengthening Urban-Rural Linkages - Leave No One And No Space Behind*. https://unhabitat.org/sites/default/files/download-manager-files/Urban%20Rural%20Linkages%20for%20implementing%20the%20New%20Urban%20Agenda_08112017.pdf
- UN-Habitat (2019). *Strengthening urban-rural linkages to reduce spatial inequality and poverty by leveraging sustainable food systems actions*, First UN-Habitat assembly | side event report. https://urbanrurallinkages.files.wordpress.com/2019/08/url-side-event_report.pdf
- UN-Habitat (2020). *Mainstreaming urban-rural linkages in national urban policies*. <https://unhabitat.org/sites/default/files/2020/06/mainstreaming-url-in-nup-guide-web.pdf>
- UN-Habitat (2021). *Urban-rural land linkage: A concept and framework for action*. <https://unhabitat.org/sites/default/files/2021/09/urban-rural-land-linkages-a-concept-and-framework-for-action.pdf>
- World Bank (2015), *The World Development Indicators* (database). World Bank, Washington DC, <http://data.worldbank.org/indicators>
- World Bank (2023a). *The World Development Indicators* (database). World Bank, Washington, DC, Available at: <https://data.worldbank.org/indicator/SL.AGR.EMPL.ZS?locations=CN>
- World Bank (2023b). Available at: <https://databank.worldbank.org/reports.aspx?source=2&series=SP.URB.TOTL.IN.ZS&country=CHN>
- World Bank (2023c). Available at: <https://databank.worldbank.org/reports.aspx?source=2&country=IRN>
- World Bank (2023d). Available at: <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.PCAP.CD?locations=IR>
- World Bank (2023e). Available at: <https://data.worldbank.org/indicator/NV.IND.TOTL.ZS?locations=IR>
- World Bank (2023f). Available at: <https://data.worldbank.org/?locations=CN-IR>

- Yang, Y., Bao, W., Wang, Y., & Liu, Y. (2021). Measurement of urban-rural integration level and its spatial differentiation in China in the new century. *Habitat International*, 117.
<https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2021.102420>
- Yu, H. (2015). *Chinese Regions in Change: Industrial Upgrading and Regional Development Strategies*. Routledge, New York City.
- Zhang, L. (2008). Conceptualizing China's urbanization under reforms. *Habitat International*, 32, 452-470
<http://doi.org/10.1016/j.habitatint.200801.001>